پيام حضرت آيت‏اللّه فاضل لنكرانى (مدظله‏العالى(

بسم الله الرحمن الرحيم‌

بعدالحمدوالصلوه‌

چه‌ واژه‌اي‌ است‌ واژه‌ انتظار كه‌ بوي‌ يار از آن‌ استشمام‌ مي‌شود. همانند لفظ‌ <گل> كه‌ بوي‌ گل‌ مي‌دهد و كلمهِ‌ <خوب> كه‌ از مصاديق‌ خوب‌ است. باري‌ با اطلاق‌ كلمهِ‌ <فرج> كه‌ مضاف‌ اليه‌ انتظار است‌ و با توجه‌ به‌ ابعاد گسترده‌ آن‌ در تمامي‌ شئون‌ اجتماعي، مخصوصاً در اين‌ زمان‌ كه‌ دست‌هاي‌ كهنه‌كار و پنهان‌ استكبار از اهانت‌ به‌ حرم‌ اميرالمؤ‌منين‌ و مولي‌ الموحدين‌ عليه‌ افضل‌ صلوات‌ المصلين، دريغ‌ نورزيده‌ و جمعيتي‌ را كه‌ از نماز جمعه‌ مراجعت‌ مي‌نمودند و قاعدتاً گروهي‌ از آن‌ها به‌ لحاظ‌ اول‌ ماه‌ رجب‌ روزه‌ دار بودند، به‌ همراه‌ امام‌ جمعه‌ به‌ خاك‌ و خون‌ كشيدند و جنايتي‌ بي‌سابقه‌ آفريدند. آري‌ در چنين‌ زمان، انتظار فرج‌ كلّي‌ معناي‌ ملموسي‌ پيدا مي‌كند و نياز به‌ گسترش‌ عدالت‌ در سطح‌ جهان‌ بيش‌تر مي‌شود.

اي‌ آخرين‌ تير تركش‌ الهي‌ و اي‌ خاتم‌ اوصياء نبوي‌ و اي‌ پناه‌ بي‌پناهان‌ شيعه، تا كي‌ زمزمه‌ كنيم‌ <اَ ينَ‌ المُرتَجي لاِزالهِ‌الجَورِ وَ العُدوان>؛ ما به‌ جز تو دادرسي‌ نداريم‌ و جز قدرت‌ تو كه‌ نشأ‌ت‌ گرفته‌ از قدرت‌ الهي‌ است،‌ در برابر ستمكاران‌ و دشمنان‌ اسلام‌ سلاح‌ ديگري‌ نداريم.

گرچه‌ ما نتوانستيم‌ شرايط‌ لياقت‌ درك‌ حضور و صلاحيت‌ مشاهدهِ‌ آن‌ قدرت‌ الهي‌ را در خود ايجاد نماييم‌ و به‌ همين‌ علّت‌ است‌ كه‌ ظهور تو به‌ تأ‌خير افتاده‌ و الاّ فيض‌ ازلي‌ عام‌ و عنايت‌ ربوبي‌ غيرقابل‌ تخصيص‌ است، ليكن‌ گستردگي‌ ظلم‌ و بيدادگري‌ به‌ويژه‌ از سوي‌ قدرت‌هاي‌ بزرگ‌ از يك‌سو و انحصار طريق‌ عدالت‌ گستري‌ در ظهور تو از سوي‌ ديگر، شايد ايجاب‌ مي‌كند كه‌ هر چه‌ زودتر بيايي‌ و قدرت‌ الهي‌ خويش‌ را نمايش‌ دهي‌ و ستمكاران‌ را در جاي‌ خود بنشاني. باشد كه‌ خورشيد تابان‌ از پس‌ ابرهاي‌ متراكم‌ نمايان‌ شده‌ و عالميان‌ را به‌ نور خود اضائه‌ فرمايد. آري‌ <انتظار الفرج‌ عباده>، به‌ اين‌ معني‌ است‌ كه‌ انتظار فرج، انتظار عدالت‌ است، انتظار حيات‌ مجدد اسلام‌ است، انتظار تمامي‌ ارزش‌هاي‌ اسلامي‌ است، انتظار روِ‌يت‌ انسان‌ جمال‌ اللهي‌ است‌ و بالاخره‌ انتظار نمايان‌ شدن‌ اسلام‌ پس‌ از خفاء آن‌ است.

اللهم‌ كن‌ لوليك‌ الحجه ‌بن‌ الحسن‌ صلواتك‌ عليه‌ و علي‌ آبائه في هذه الساعه و في كل ساعه ولياً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دليلاً و عيناً حتي‌ تسكنه‌ ارضك‌ طوعاً و تمتعه‌ فيها طويلاً‌.

حضرت آيت الله العظمي صافي گلپايگاني (مدظله العالي)

‌بسم‌ الله‌ الرحمن‌ الرحيم‌

‌يا بَنِيَّ اذهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِن يُوسُفَ وَ اخَيهِ وَلاتَياَسُوا مِن رَوحِ اللّهِ

‌اِنّهُ لا يَياَسُ مِن رَوحِ اللّهِ الاّ القَومُ الكافِرون َ 1

يأس‌ و نوميدي‌ يكي‌ از عوامل‌ مهم‌ باز دارنده‌ افراد از كار و تلاش‌ و پي‌گيري‌ و تعقيب‌ مقاصد و مطالب‌ است. بسيار و بلكه‌ بيشتر اشخاصي‌ كه‌ در زندگي‌ از نيل‌ به‌ خواسته‌هاي‌ خود شكست‌ خورده‌اند، در اثر نااميدي‌ و قبول‌ شكست‌ بوده‌ است. تأمّل‌ در تاريخ‌ رجال‌ موفّق، نشان‌ مي‌دهد كه‌ رمز مهم‌ پيشرفت‌ آنان، نااميد نشدن‌ و اميدواري‌ به‌ موفّقيت‌ بوده‌ است. نويدها و وعده‌هاي‌ حضرت‌ رسول‌ اكرم(ص) - كه‌ اين‌ دين‌ به‌ جلو مي‌رود وصيت‌ و صوت‌ آن‌ ‌جهانگير مي‌شود و به‌ هر نقطه‌اي‌ كه‌ شب‌ يا روز به‌ آن‌ جا رسيده‌ باشد، مي‌رسد. - از آن‌ روزي‌ كه‌ اسلام‌ تنها با شخص‌ آن‌ حضرت‌ و اميرالمؤ‌منين‌ و خديجه(ع) بود تا فتح‌ مكّه‌ و سپس‌ فتوحات‌ ديگر كه‌ نصيب‌ مسلمانان‌ در شرق‌ و غرب‌ جهان‌ شد، همواره‌ در غزوات‌ و جنگ‌ها و در شدّت‌ها و سختي‌ها نگهدار قلوب‌ مسلمانان‌ بود، چنان‌كه نويد به‌ اين‌ كه‌ دين‌ حقّ اسلام‌ بر كل‌ اديان، ظاهر و غالب‌ مي‌شود و در تأكيد بر وقوع‌ اين‌ غلبه‌ جهانگير كه‌ به‌ دست‌ حضرت‌ ولي‌ عصر صاحب‌ الا‌مر ارواح‌ العالمين‌ له‌ الفداء صورت‌ مي‌گيرد، فرمود: اگر از دنيا باقي‌ نماند مگر يك‌ روز، خدا آن‌ روز را آن‌ قدر طولاني‌ مي‌نمايد تا آن‌ شخصيتي‌ كه‌ هم‌ نام‌ پيغمبر و از فرزندان‌ پيغمبر؛ يعني‌ علي(ع) و زهرا(س) است، ظهور فرمايد و به‌ او دنيا را پر از عدل‌ و داد نمايد، چنان‌كه‌ از ظلم‌ و جور پر شده‌ باشد.

مسلمانان‌ را به‌ انتظار آينده‌ و روز خلاص‌ و روز نجات‌ گذارده‌ كه‌ با ايمان‌ به‌ اين‌ حقيقت‌ در هر عصر و زمان، تحت‌ هيچ‌ شرايطي، دست‌ از اسلام‌ نكشند و به‌ عقب‌ بر نگردند و به‌ چپ‌ و راست‌ متمايل‌ نشوند، و انتظار آن‌ روز را از افضل‌ اعمال، بلكه‌ افضل‌ از جهاد بدانند؛ چرا كه‌ انتظار هم‌ جهاد است‌ و هم‌ استقامت‌ و هم‌ صبر و مقاومت، هم‌ عمل‌ و حركت‌ و هم‌ عبادت‌ كه‌ مظاهر آن‌ در اعتقادات، معرفت‌ به‌ خدا و معرفت‌ نبوّت‌ و نبوت‌ ختميه، معرفت‌ به‌ امامت‌ و مخصوصاً امامت‌ امام‌ زمان(عج )، معرفت‌ و ايمان‌ به‌ معاد و ساير عقايد بر حق‌ است.

اين‌ معارف‌ و اين‌ عقايد، همه‌ اميد بخش‌ و نشاط‌ آفرين‌ است، قلب‌ را نوراني‌ مي‌نمايد و عقب‌ گرد و واپس‌ گرايي‌ و نااميدي‌ را از ميان‌ مي‌برد.

اين‌ نگاه‌ به‌ آينده‌ و اميد به‌ وعده‌هاي‌ قرآني‌ و سنّت‌ غير قابل‌ تغيير الهي، مثل‌ نصوص:

)لِيُحِقّ الحَقَّ وَ يُبطِلَ الباطِلَ وَ لَو كَرِهَ المُجرِمُونَ( 2

)وَ يُريدُ اللّهُ اَن يُحِقَّ الحَقَّ بِكَلِماتِهِ وَ يَقطَعَ دابِرَ الكافِرينَ( 3

)يُريدُونَ اَن يُطفِؤُا نُورَ اللّهِ بِاَفواهِهِم وَ يَأبَي‌ اللّهُ اِلاّ اَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَو كَرِهَ الكافِرُونََ( 4

)يُريدُونَ لِيُطفِؤُا نُورَ اللّهِ بِأَفواهِهِم واللّهُ مُتِمّ ُ نُورِهِ وَ لَو كَرِهَ الكافِرون َ(َ 5

و آيات‌ متعدّد ديگر همه‌ نگهدارنده‌ شيعيان‌ در مواضع‌ ولايي‌ و ايماني‌ و استقامت‌ و مقاومت‌ در دوران‌ حكومت‌هاي‌ بني‌اميه‌ و بني‌عباس‌ و ستمگران‌ بي‌باك‌ تاريخ‌ بوده‌ است.

در همين‌ يك‌ صد سال‌ اخير، در دوران‌ ديكتاتور خون‌خوار و بي‌سوادي‌ مثل‌ رضاخان‌ و آن‌ همه‌ شدّت‌ و اعمال‌ زور و ارعاب‌ و حبس‌ و شكنجه‌ و كشتار براي‌ نفي‌ هويّت‌ اسلامي‌ جامعه‌ و سياست‌هاي‌ مزوّرانه‌اي‌ كه‌ به‌ اسم‌ روشنفكري‌ و اصلاح‌طلبي‌ و ترقّي‌ و آزادي‌خواهي‌ و تقليد از غرب‌ اجرا شد كه‌ حتي‌ جشن‌ها و چراغاني‌هاي‌ نيمه‌ شعبان‌ را تعطيل‌ كردند. آن‌ چه‌ بحمداللّه‌ هويّت‌ اسلامي‌ و مذهبي‌ اين‌ جامعه‌ را نگه‌ داشت، همان‌ ايمان‌ به‌ ظهور حضرت‌ مهدي(عج) بود. همه‌ از بركات‌ همين‌ عقيده‌ به‌ مهدويّت‌ و اين‌كه‌ آينده‌ براي‌ قرآن‌ و براي‌ اسلام‌ و براي‌ ظهور و حكومت‌ و ولايت‌ اهل‌ بيت‌ است، بوده‌ و خواهد بود.

در حال‌ حاضر نيز با همين‌ ايمان‌ و عقيده‌ به‌ مهدويت‌ در برابر دشمناني‌ كه‌ محو اسلام‌ را وجهه‌ نظر قرار داده‌اند، به‌ فضل‌ خدا در حفظ‌ همه‌ مواضع‌ به‌ شرط‌ التزام‌ به‌ احكام‌ اسلام‌ و بيرون‌ نرفتن‌ از خط‌ هدايت‌ اهل‌ بيت(ع)، پيروز خواهيم‌ بود. انشاء اللّه‌ تعالي‌ والعاقبه‌ للمتقين.

‌اَللّهُم عَجّل‌ فَرَجَهُ وَسَهّل‌ مَخرَجَهُ وَقَرّب‌ زمانَهُ وَ اجعَلنا مِن اعوانِه‌ وَ اَنصارِهِ آمّينَ‌ ربَّ العالَمينَ.

1. سوره‌ يوسف، آيه‌ 87.

2. سوره‌ انفال، آيه‌ 8.

3. سوره‌ انفال، آيه‌ 7.

4. سوره‌ توبه، آيه‌ 32.

5. سوره‌ صفّ، آيه‌ 8.

حضرت آيت الله العظمي نوري همداني (مدظله العالي)

‌بسم‌ اللّه‌ الرّحمن‌ الرّحيم‌

‌بعدالحمدوالصّلوه‌

پيغمبر مكرّم‌ اسلام، حضرت‌ محمد مصطفي(ص) از روز طلوع‌ اسلام‌ اين‌ سه‌ مطلب‌ را به‌طور مكرّر و مؤ‌كّد، در هر فرصتي‌ براي‌ مردم‌ بيان‌ مي‌كردند:

1- مسأ‌له‌ خلافت‌ و ولايت‌ عليّ بن‌ ابي‌ طالب، اميرمؤ‌منان(ع)؛

آن‌ حضرت‌ براي‌ روشن‌ كردن‌ اين‌ مسأ‌له، در مواردي‌ شايستگي‌ها و برتري‌هاي‌ علي(ع) از لحاظ‌ خلقت‌ و در مواقعي‌ موقعيّت‌ مهم‌ و محوري‌ آن‌ حضرت‌ در پيشرفت‌ اسلام‌ را گوشزد مي‌كرد و در مناسبت‌هايي‌ برتري‌ او را از لحاظ‌ دارا بودن‌ حدّ اعلاي‌ كمالات‌ انساني‌ تبيين‌ مي‌نمود، تا اين‌ كه‌ در روز عيد غدير با نزول‌ آيهِ‌ )وَاِن لَم تَفعَل فَما بَلَّغتَ رِسالَتَه(، در يك‌ مجمع‌ پرشكوه‌ تاريخي، به‌ ولايت‌ و خلافت‌ او از سوي‌ پروردگار تصريح‌ و به‌ همراه‌ بيعت‌ مردم، موضوع‌ را بر همگان‌ روشن‌ كردند.

به‌ اين‌ ترتيب، روح‌ در پيكر دين‌ دميده‌ شد و شجرهِ‌ طيّبهِ‌ نبوّت‌ به‌ بار نشست‌ و)اَليَومَ اَكمَلتُ لَكُم دينَكُم‌ وَ اَتمَمتُ عَلَيكُم‌ نِعمَتِي‌ وَرَضيتُ لَكُمُ الاِسلامَ دِينا( اين‌ حقيقت‌ را اعلان‌ و )اَليَومَ يَئِسَ الّذينَ كَفَروُا مِن‌ دينِكُمُ( اين‌ ثمرهِ‌ طيّبه‌ را بيمه‌ كرد.

2- موضوع‌ شهادت‌ حضرت‌ ابي‌ عبدالله‌ سيد الشهدا(ع)؛

پيشوايان‌ معصوم، در اين‌ باره‌ نيز به‌ منظور ارايهِ‌ نمونه‌اي‌ از عظمت‌ و جايگاه‌ جهاد و شهادت‌ در اسلام‌ و بيان‌ اين‌ مطلب‌ كه‌ ماندگاري‌ و پايداري‌ بوستان‌ اسلام‌ جز به‌ باغباني‌ آن‌ به‌ وسيلهِ‌ جهاد و آبياري‌ آن‌ به‌ وسيله‌ خون‌ شهيدان، شدني‌ نيست، شهادتِ آن‌ حضرت‌ و فرزندان‌ و يارانش‌ را پيش‌ از آن‌ كه‌ او قدم‌ به‌ عرصهِ‌ اين‌ جهان‌ بگذارد، در هنگام‌ تولّد او و از آن‌ پس‌ در هر فرصتي‌ بيان‌ مي‌نمودند، تا همهِ‌ مسلمانان‌ به‌ جايگاه‌ جهاد در فرهنگ‌ اسلام‌ پي‌ ببرند و در همهِ‌ دوران‌ها - كه‌ عرصهِ‌ زندگي‌ مسلمانان‌ تجسّم‌ <كل‌ ارض‌ كربلا و كلّ يوم‌ عاشورا> است‌ - در راستاي‌ اين‌ فرهنگ‌ حركت‌ كنند و در ميدان‌ ظلم‌ ستيزي‌ و نبرد با استكبار، هميشه‌ از مكتب‌ مقدّس‌ پيروزي‌ خون‌ بر شمشير الهام‌ بگيرند.

3- موضوع‌ غيبت‌ صاحب‌ العصر و الزّمان‌ حضرت‌ مهدي‌ ارواحنالتراب‌ مقدمه‌ الفداء است؛

براي‌ آگاهي‌ و آمادگي‌ مسلمانان‌ دربارهِ‌ سرنوشت؛‌ خاص‌ امامت، به‌ ويژه‌ امامت‌ امام‌ دوازدهم(عج) و مسأ‌لهِ‌ غيبت‌ صغرا و غيبت‌ كبرا، طولاني‌ بودن‌ مدّت‌ غيبت‌ كبرا، جريان‌هاي‌ دشوار زمان‌ غيبت، نشانه‌هاي‌ ظهور، چگونگي‌ ظهور و حكومت‌ عدلِ جهاني‌ آن‌ حضرت، مطالب‌ بسياري‌ از پيشوايان‌ معصوم(ع) رسيده‌ است‌ كه‌ ما در اين‌ جا چكيده‌اي‌ از برخي‌ از آن‌ها را با توفيق‌ خداوند بيان‌ مي‌كنيم:

1- به‌ وجود آمدن‌ تغييرهاي‌ بسياري‌ در جامعهِ‌ مسلمانان‌ كه‌ با دين‌ همخواني‌ ندارد و ضد دين‌ است. مانند: شيوع‌ منكرات، فراواني‌ گناهان، فراگير شدن‌ ظلم‌ و نفاق، چيده‌ شدن‌ مستكبران‌ و ستمگران‌ و نقشه‌ها و ترفندهايي‌ كه‌ آنان‌ براي‌ استضعاف‌ فكري، فرهنگي، سياسي‌ و اقتصادي‌ مسلمانان‌ به‌ كار مي‌برند؛ صدها خبر كه‌ اوضاع‌ و پيش‌ آمدهاي‌ آخرالزمان‌ را منعكس‌ مي‌كند، بازگو كنندهِ‌ اين‌ جريان‌ها است.

اين‌ خبرها هم‌ چنين‌ اين‌ حقيقت‌ را ثابت‌ مي‌كند كه‌ پيشوايان‌ معصوم(ع) اين‌ جريان‌ها را صدها سال‌ پيش‌ از آن‌ كه‌ به‌ وقوع‌ بپيوندد، در پرتو وحي‌ و الهام‌ خداوندي‌ مي‌دانستند و از آن‌ها خبر داده‌اند و همين‌ اخبار دليل‌ روشني‌ بر اين‌ امر است‌ كه‌ غيبت‌ آن‌ حضرت‌ به‌ امر الاهي‌ است‌ و به‌ امر الاهي‌ نيز ظهور و دنيا را از عدل‌ و سرور پر خواهد كرد. آن‌ها تذكّر مي‌دادند كه‌ شما در برابر اين‌ جريان‌ها، در راه‌ دين‌ ثابت‌ قدم‌ باشيد و تلاش‌ كنيد به‌ وظيفهِ‌ خود عمل‌ كنيد و هرگز موضع‌ انفعالي‌ نداشته‌ باشيد و مطمئن‌ باشيد كه‌ َ)انّ الا‌رض‌ يرثها عبادي‌ الصالحون).

خستگان‌ عشق‌ را ايّام‌ درمان‌ خواهد آمد غم‌ مخور آخر طبيب‌ دردمندان‌ خواهد آمد

آن‌ قدر از كردگار خويشتن‌ اميدوارم‌كه‌ شفابخش‌ دل‌ اميدواران‌ خواهد آمد

دردمندان، مستمندان، بي‌پناهان‌ را بگوييد مصلِح‌ عالم، پناهِ بي‌پناهان‌ خواهد آمد

كاخ‌هاي‌ ظلم‌ ويران‌ مي‌شود بر فرق‌ ظالم‌ مهدي‌ موعود، غمخوار ضعيفان‌ خواهد آمد

در آن‌ شرايط‌ هر چند زمين‌ از ستم‌ پُر مي‌شود، ولي‌ اسلام‌ هرگز اجازهِ‌ سكوت‌ در برابر ظلم‌ را نمي‌دهد. هر چند در جامعهِ‌ اسلامي‌ منكرات‌ فراوان‌ بوجود خواهد آمد و معروف‌هاي‌ بسياري‌ ترك‌ مي‌شود، امّا اسلام‌ هيچ‌ وقت‌ اجازهِ‌ ترك‌ امر به‌ معروف‌ و نهي‌ از منكر را نمي‌دهد. هر چند سلطه‌ گران‌ و مستكبران، عرصهِ‌ زمين‌ را ميدان‌ تاخت‌ و تاز قدرت‌ استكباري‌ خود قرار مي‌دهند و با‌ قلدري، خون‌ها مي‌ريزند و خانه‌ها را خراب‌ مي‌كنند، ولي‌ دين‌ اسلام‌ به‌ هيچ‌ كس‌ اجازهِ‌ سلطه‌ پذيري‌ و برخورد انفعالي‌ در برابر ستم‌ و استكبار را نمي‌دهد و استكبار ستيزي‌ را وظيفهِ‌ قطعي‌ و هميشگي‌ مسلمانان‌ مي‌داند.

امروز صف‌ آرايي‌ دشمنان‌ اسلام‌ در برابر اسلام‌ بر اين‌ چند محور مي‌چرخد:

1- تضعيف‌ دين‌ با عنوان‌هاي‌ پلوراليسم‌ (قرائت‌هاي‌ مختلف‌ از دين) سكولاريسم، ليبراليسم‌ و جدايي‌ دين‌ از سياست؛

2- تقويت‌ رژيم‌ صهيونيستي؛

3- تقويت‌ و ايجاد راهكارهايي‌ كه‌ فرهنگ‌ غرب‌ را بالاتر از فرهنگ‌ اسلام‌ نشان‌ بدهد؛

4- اشاعه‌ فحشا و منكرات‌ در جوامع‌ اسلامي‌ و به‌ كار انداختن‌ سلطه‌ با تكيه‌ به‌ عناويني‌ از قبيل‌ آزادي، حقوق‌ بشر و ضدّ تروريست.

در چنين‌ وضعي‌ ائمّه(ع) با بيان‌ اين‌ كه‌ نگه‌داشتن‌ دين، يعني‌ عمل‌ كردن‌ به‌ وظايف‌ ديني‌ در برابر اين‌ جريان‌ها سخت‌ است. مانند: نگه‌داشتن‌ آتش‌ سرخ‌ در كفِ دست‌ يا سخت‌تر از آن، تأ‌كيد مي‌كنند كه‌ دين‌ خود را در سايهِ‌ ايمان‌ و اعتقاد به‌ خداوند، توكّل‌ و اعتماد به‌ آن‌ ذات‌ ذوالجلال‌ و ياري‌ خواستن‌ از او نگاه‌ بداريد تا مشعل‌ اسلام‌ هميشه‌ فروزان‌ و پرچم‌ اسلام‌ به‌ همّت‌ و ارادهِ‌ شما، به‌ ويژه‌ جوانان‌ متعهّد و با ايمان‌ همواره‌ در اهتزاز باشد. تا در موقع‌ ظهور حضرت‌ مهدي(ع) در حركت‌ پر خروش‌ آن‌ حضرت‌ شركت‌ كنيد و جزو همراهان‌ و ياران‌ آن‌ حضرت‌ باشيد.

بايد بدانيم‌ كه‌ اين‌ همه‌ فضيلت‌ و ثواب‌ كه‌ براي‌ منتظران‌ ظهور آن‌ حضرت‌ در احاديث‌ اهلبيت(ع) آمده‌ است، تنها براي‌ كساني‌ است‌ كه‌ در دين‌ و عقيدهِ‌ خود استوار و پابرجا باشند. مانند اين‌ روايت‌ها:

آن‌ها ثواب‌ كسي‌ را دارند كه‌ در ركاب‌ حضرت‌ ولي‌ عصر(عجل‌الله‌فرجه) و در خيمهِ‌ آن‌ حضرت‌ همراه‌ او باشند و يا مانند كساني‌ هستند كه‌ در جنگ‌ بدر در ركاب‌ حضرت‌ پيغمبر(ص) بودند. حضرت‌ باقر(ع) فرمود: روزي‌ حضرت‌ پيغمبر(ص) در حالي‌ كه‌ جماعتي‌ از اصحابش‌ در محضر مباركش‌ اجتماع‌ داشتند دعا كرد و گفت: اللّهم‌ لَقّني‌ اخواني؛ بار خدايا ديدار برادران‌ مرا براي‌ من‌ فراهم‌ كن‌ بعد از آن‌ دوباره‌ همين‌ دعا را تكرار نمود، اصحاب‌ آن‌ حضرت‌ عرض‌ كردند: آيا ما برادران‌ تو نيستيم؟ حضرتش‌ در پاسخ‌ آن‌ها فرمود: نه‌ شما اصحاب‌ من‌ هستيد. برادرانِ من‌ مردمي‌ هستند كه‌ مرا نديده‌اند، ولي‌ به‌ من‌ ايمان‌ آورده‌اند. خداوند نام‌هاي‌ آن‌ها و نام‌هاي‌ پدران‌ آنان‌ را پيش‌ از آن‌كه‌ از صلب‌ پدران‌ و ارحام‌ مادران‌ خود خارج‌ شوند و به‌ اين‌ جهان‌ قدم‌ بگذارند، به‌ من‌ معرفي‌ كرده‌ است. صبر و مقاومت‌ آن‌ها در نگهداري‌ دين‌ خودشان‌ از نگه‌داشتن‌ آتش‌ سرخ‌ در كف‌ دست‌ بيش‌تر است. آنان‌ چراغ‌هاي‌ هدايت‌ در تاريكي‌هاي‌ آن‌ زمان‌ مي‌باشند. خداوند آن‌ها را از هر فتنهِ‌ ظلماني‌ نجات‌ مي‌دهد.1

در پايان‌ وظيفهِ‌ خود مي‌دانم‌ از متصدّيان‌ محترم‌ بنياد فرهنگي‌ حضرت‌ مهدي‌ موعود(ع) كه‌ سال‌ها است‌ در نشر <انتظار> با اخلاص‌ و صفا گام‌ برمي‌دارند، تقدير نمايم‌ و موفقيت‌ بيش‌تر اين‌ جوانان‌ عزيز و متعهّدي‌ كه‌ ديروز در عرصهِ‌ جهاد حماسه‌ها آفريدند و با استقبال‌ از فرهنگ‌ جهاد و شهادت‌ عزّت‌ و اقتدار در اين‌ نظام‌ ديني‌ را فراهم‌ ساختند و امروز هم‌ در برابر نقشه‌هاي‌ استكبار جهاني‌ با هشياري‌ و آگاهي‌ ايستاده‌اند و در صحنه‌هاي‌ اعتكاف‌ و مراسم‌ دعاي‌ ندبه‌ و كميل‌ و مراكز اجتماعات‌ مذهبي‌ حضور دارند، از خداوند مسأ‌لت‌ نمايم. اميد كه‌ ان‌ شاء الله‌ با اين‌ شايستگي‌هايي‌ كه‌ دارند، جزو منتظران‌ حقيقي‌ و ياران‌ حضرت‌ مهدي‌ موعود(ع) باشند.